

وقتی بنفشه زیباست

وقتی بنفشه زیباست	وقتی بهار سبز است
از پشتِ شیشه پیداست	وقتی نگاه گنجشک
آبی بر آسمان است	وقتی که بهترین رنگ
روئیدن گیاه است	وقتی صدای باران
باید ستاره را دید	باید که مهربان بود
همراه باد رقصید	مانند شاخه بید
مهتاب را صدا کرد	باید چو باغ، گل کرد
از عشق، از خدا زد	حرف از پرنده، از موج

زگس منصوری

فرهنگ (Glossary) :

violet	جامنی	بنفشه
beautiful	خوب صورت	زیبا
sparrow	گوریا	گنجشک
back, behind	پیش، پیچھے	پشت
mirror	آئینہ	شیشه
blue	نیلا	آبی
voice, sound	آواز	صدا
grass	گھاس	گیاه
sigh, alas	افسوس، حسرت	آه
together	ساتھ	همراه
air	هوا	باد
talked	بات کی	حرف زد

bird	پرندہ	پرندہ
wave	لہر	موج
branch	ٹہنی	شاخ
willow	ایک قسم کی لکڑی	بید
flower	پھول	گل
to grow	اُگنا، اُگانا	روئیدن
to see	دیکھنا	دیدن
to dance	رقص کرنا	رقصیدن
to talk	بات کرنا	حرف زدن



پُرسش / Exercise



(۱) وقتی شاعر چہ احساس کرد و چرا؟

